

چنین قدرتی نداریم. اگر شورای امنیت نتوانست ایران را وادار کند آنها چگونه انتظار دارند که آژانس بتواند چنین کاری بکند؟»

باید با ایران مستقیماً گفتگو کرد

البرادعی در طول ۶ سال گذشته همانند سایر سیاستمداران در جهان که از دولت آمریکایی خواستند مستقیماً با ایران گفتگو کند بارها به این موضوع اشاره کرد که علی‌رغم تمامی فعالیت‌های صورت گرفته بر روی پرونده ایران، پیشرفت چندانی در این خصوص صورت نگرفته و لازم است که آمریکا مستقیماً برای حل این مساله با ایران وارد گفتگو شود. به همین دلیل البرادعی بارها در گفتگوهای خصوصی و علنی خود با مقامات غربی و مخصوصاً مقامات آمریکایی به این موضوع اشاره می‌کرد که سیاست اعتماد سازی غرب

(مخصوصاً سبکی که دولت بوش در پیش گرفته بود) به طور کامل شکست خورده و پیشرفتی در این راستا صورت نگرفته است. البرادعی در همین خصوص با اشاره به اینکه ایران پیش از آنکه پرونده هسته‌ای‌اش در سال ۲۰۰۵ به شورای امنیت سازمان ملل فرستاده شود بیشتر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری می‌کرده ولی بعد از آن همکاری‌هایش را محدود کرده، تاکید می‌کرد به دلیل سیاسی بازی‌هایی که بر روی پرونده اتمی ایران صورت گرفته تا زمانی که گفتگوی مستقیمی با ایران صورت نگیرد نه اعتماد دو جانبه‌ای شکل

می‌گیرد و نه پیشرفتی حاصل می‌شود. البرادعی در این خصوص با اشاره به اینکه حل پرونده هسته‌ای ایران مستلزم این است که اختلافات تاریخی آمریکا با ایران مورد حل و فصل واقع شود گفته است: «در مسائل مربوط به امنیت منطقه‌ای، مخصوصاً در خاورمیانه، در صورتی که با ایران بر سر یک میز نشسته نشود و در مورد شکایت‌هایی که بین ایران و جامعه بین‌المللی در طول ۵۶ سال گذشته انباشته شده، مانند اقدام CIA و MIF در برکناری دولت مصدق

در سال ۱۹۵۳ که اولین دولت منتخب مردمی بود و همچنین بحران گروگانگیری در سال ۱۹۷۹، گفتگویی صورت نگیرد، حتی یک ذره هم پیشرفتی حاصل نخواهد گردید. چنین مسائلی هرچند مربوط به گذشته است اما شرایط امروز خاورمیانه کاملاً بر اساس رقابت بر سر دستیابی به قدرت بین ایران که ایدئولوژی خاص خود را دارد و ایالات متحده و برخی همسایگان این کشور است». البرادعی با اشاره به چنین پیشینه‌ای و اینکه دو کشور شکایات و توقعاتی از هم دارند بارها تاکید کرد که نمی‌توان در دو طرف اقیانوس‌ها نشست و بر روی یکدیگر اسم گذاشت (منظور نامگذاری ایران از سوی دولت بوش به عنوان یکی از اعضای محور شرارت است) چون به این ترتیب مشکلات حل نمی‌شوند.

نباید به نگرانی‌های ایران بی توجه بود

البرادعی در طول سال‌های اخیر بارها با اشاره به اینکه ایران می‌خواهد بعنوان یک قدرت امنیتی منطقه‌ای به رسمیت شناخته شود تاکید داشت که موضوع هسته‌ای برای ایران به یک مساله امنیتی تبدیل شده که در آینده نزدیک با میزان قدرتی که ایران بعنوان یک قدرت منطقه‌ای خواهد داشت ارتباط دارد. البرادعی در این خصوص با اشاره به اینکه ایرانی‌ها به تکنولوژی هسته‌ای به چشم ابزاری می‌نگرند که به قدرت، اعتبار منطقه‌ای و امنیت این کشور می‌افزاید



ترجمه و تالیف:
محمدصادق امینی
منبع واشنگتن پست،
دویچه وله

البرادعی یا آمانو؟ رضایت غرب یا ایران

در دوران تکیه او بر صندلی ریاست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی محسوب می‌شود.

آژانس خدا نیست

یکی از بزرگترین انتقاداتی که همواره مقامات غربی و رسانه‌های بین‌المللی از زمان آشکار شدن فعالیت‌های اتمی ایران متوجه البرادعی کرده‌اند این است که البرادعی در برابر ایران نرمش نشان داده و در فاصله زمانی ۲۰۰۷ - ۲۰۰۳ از برنامه اتمی ایران محافظت کرده زیرا نمی‌خواست شاهد

● آنچه انتخاب آمانو را به عنوان سکandar جدید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نگران کننده می‌سازد این است که او از سویی فاقد کارزیمای لازم ارزیابی می‌شود و از طرفی شماری از کشورهای غیرمتعهد او را به نزدیکی بیش از حد به اروپا و آمریکا متهم می‌کنند

اقدام نظامی آمریکا علیه ایران باشد. مقامات و رسانه‌های غربی هر چند مدعی هستند که عملکرد البرادعی باعث شده تا ایران بتواند محدودیت‌ها را از سر راه خود کنار بزند ولی البرادعی با اشاره به اینکه چنین طرز فکری یک سوء تفاهم کامل است بارها تاکید کرد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تمام آنچه را که می‌توانسته در ایران انجام داده تا اطمینان حاصل کند که تاریخچه و وضعیت فعلی برنامه هسته‌ای ایران را فهمیده است. البرادعی همچنین در طول این سالها، طی مصاحبه‌های خود بارها در پاسخ به منتقدان خود که مدعی بودند او زیاد به ایران سخت‌نگرته می‌گفت که آژانس طی دوران مدیریت او تا آنجا که توان داشته تلاش کرده تا ایران را برای همکاری و شفافیت بیشتر تحت فشار قرار دهد. البرادعی حتی یکبار در این خصوص صراحتاً به روزنامه آمریکایی واشنگتن پست گفت: «بعضی‌ها فکر می‌کنند که ما خدا هستیم...می‌توانیم از همه مرزها و محدودیت‌ها عبور کنیم...درهای بسته را باز کنیم...ولی ما

راه البرادعی ادامه می‌یابد؟

«محمد البرادعی» مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در حالی بعد از ۱۲ سال ریاست بر آژانس در نوامبر سال جاری میلادی از سمت خود کناره‌گیری می‌کند که در طول سال‌های گذشته، به خاطر نحوه عملکرد خود در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشورمان، همواره مورد انتقاد مقامات آمریکایی - اسرائیلی و برخی رسانه‌های بین‌المللی بوده است. البرادعی هر چند در مدت



زمان ریاست خود بر آژانس بیشتر به انتشار گزارش‌های دوپهلوی اکتفا کرده ولی مقامات غربی و رسانه‌های بین‌المللی بارها او را به سبب خودداری از رعایت دیدگاه‌های مد نظر غرب در تنظیم گزارش‌های خود، متهم به حفاظت از برنامه اتمی کشورمان کرده‌اند. هر چند این برنده جایزه صلح نوبل که در جریان کشمکش‌ها بر سر برنامه اتمی ایران شهرتی جهانی یافته به زودی باید سکان هدایت آژانس را در تاریخ ۳۰ نوامبر سال جاری میلادی به «یوکیا آمانو» نماینده ۶۳ ساله ژاپن در آژانس واگذار کند (که به باور بسیاری از کارشناسان مسائل بین‌المللی، بیشتر علایق قدرت‌های بزرگ هسته‌ای جهان را نمایندگی می‌کند) ولی البرادعی در جریان سال‌های طولانی ریاست خود بر آژانس اظهارات و هشدارهایی داشته که توجه به آنها خالی از لطف نیست؛ مطالبی که می‌توان از آنها بعنوان نصایح البرادعی به جانشین خود در خصوص پرونده اتمی ایران یاد کرد که بعد از بحران اتمی کره شمالی، دومین آزمون بزرگ آمانو

که حقیقت را به آنها بگوید... این همان کاری است که من انجام می‌دادم».

راه البرادعی ادامه می‌یابد؟

انتقادات فزاینده البرادعی به آمریکا، طی سال‌های گذشته، به سیاستمداران آمریکایی ثابت کرده بود که اگر قرار است، کسی جانشین البرادعی شود، آن شخص بهتر است کسی باشد که مثل البرادعی انتقاد نکند. به همین علت سران کاخ سفید تمام تلاش خود را کردند تا آمانوی ژاپنی که فردی کمتر سیاسی است بر سر کار بیاید تا چهار سال آینده را صرف انتقاد از سیاست آمریکا و حمایت از نقض کنندگان NPT ننماید. این در حالی است که البرادعی با عملکرد ۱۲ ساله خود در آژانس توانست تا حد بسیاری مانع از آن شود آژانس به مکانی برای اعمال فشار قدرت‌های بزرگ تبدیل شود و این همان راهی است که نمایندگان بسیاری از کشورها در آژانس نیز انتظار دارند که بعد از البرادعی همچنان ادامه یابد. ولی در این میان آنچه انتخاب آمانو را به عنوان سکندار جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی نگران کننده می‌سازد این است که او از سویی فاقد کارزیمی لازم ارزیابی می‌شود و از طرفی شماری از کشورهای غیرمتعهد او را به نزدیکی بیش از حد به اروپا و آمریکا متهم می‌کنند. این در حالی است که انتخاب آمانو کشورهای در حال توسعه را نگران کرده است، چرا که



ساعتی "بارها اظهار داشته تا هنگامی که قدرت‌های اتمی دست به اقداماتی قاطع به منظور خلع سلاح نزنند، منطقه خاورمیانه همچنان در حوزه خطر گسترش تسلیحات اتمی باقی خواهد ماند. البرادعی با اشاره به اینکه سازوکارهای محدود ساختن تسلیحات اتمی تا زمانی که قدرت‌های بزرگ از هسته‌های شدن دوستان و متحدان خود حمایت می‌کنند و برای سایر کشورها محدودیت بوجود می‌آورند، کارایی ندارد گفته است: «به زودی ۹ کشور با سلاح اتمی خواهیم داشت و به احتمال زیاد ۱۰ تا ۲۰ کشور دیگر به مرحله‌ای خواهند رسید که قادر خواهند بود در کوتاه مدت به ساخت بمب اتمی دست یابند. به همین علت قدرت‌های بزرگ باید برای جلوگیری از خطر اتمی شدن تعداد بیشتری از کشورها به اقداماتی قاطع برای خلع سلاح جهانی دست بزنند».

آژانس باید یک نهاد مستقل باشد

یکی از انتقاداتی که در حال حاضر به بسیاری از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی وارد می‌باشد این است که این سازمان‌ها به ابزاری در دست کشورهای قدرتمند برای تحت فشار قراردادن سایر کشورها تبدیل شده‌اند. البرادعی با اشاره به اینکه تقویت چنین دیدگاهی می‌تواند زمینه ساز بی توجهی بسیاری از کشورها (مخصوصا کشورهای در حال توسعه) از درخواست‌های آژانس

به زودی ۹ کشور با سلاح اتمی خواهیم داشت و به احتمال زیاد ۱۰ تا ۲۰ کشور دیگر به مرحله‌ای خواهند رسید که قادر خواهند بود در کوتاه مدت به ساخت بمب اتمی دست یابند. به همین علت قدرت‌های بزرگ باید برای جلوگیری از خطر اتمی شدن تعداد بیشتری از کشورهای در حال توسعه اقداماتی قاطع برای خلع سلاح جهانی دست بزنند

آنان معتقدند که با توسل NPT، این امکان وجود دارد که مدیر کل جدید با حمایت قدرت‌های غربی، آنها را از دست یابی به معلومات لازم در مورد مسائل هسته ای منع کنند. به همین علت کشورهای در حال توسعه، خواهان مدیری برای این سازمان هستند که همچون البرادعی این آگاهی را داشته باشد که استفاده مطلوب از انرژی اتمی برای اهداف توسعه‌ای، به اندازه تلاش برای منع تکثیر مهم است. هر چند در حال حاضر ارزیابی اکثر کارشناسان مسائل بین‌المللی مبنی بر این است که موضع آقای آمانو در مورد ایران به موضع آمریکا نزدیک است ولی خود او در پاسخ به این پرسش که نحوه اداره امورات آژانس و تعامل این سازمان با کشورهایی همچون ایران و یا سوریه چگونه خواهد بود گفته است: «من نه یک مدیر کل "ترم" خواهم بود و نه یک مدیر کل "سخت گیر"». با اینحال باید منتظر ماند و دید که آیا آمانو می‌تواند همانند البرادعی یک مدیر کل مستقل باشد؟ آیا ایران و آژانس بر سر مسائلی نظیر بازرسی‌های سرزده به توافق می‌رسند یا اینکه او توان سیاست زدایی از این نهاد مستقل بین‌المللی را خواهد داشت یا خیر؟ ▲

می‌گفت: «وقتی شما ایران را بخشی از "محور شرارت" می‌نامید نباید از ایران انتظار داشته باشید که در پاسخ بگوید «باشه، ما از برنامه هسته‌ای دست می‌کشیم». کاملاً مشهود است که ایرانی‌ها به دنبال امنیت خویش هستند، آنها شاهد بوده‌اند که اگر شما تسلیحات هسته‌ای یا حداقل تکنولوژی آن را در اختیار دارید تا حدودی در برابر حمله محافظت شده‌اید». البرادعی همچنین با اشاره به اینکه مساله هسته‌ای تنها نوبت کوه یخی است که از آب بیرون زده بارها به آمریکا هشدار داد که مساله هسته‌ای تنها ماسکی برای بسیاری از مسائل امنیتی، سیاسی و اقتصادی است و آمریکا در صورتی که قصد دارد این مساله را حل نماید نه تنها باید به نگرانی‌های ایران توجه نماید بلکه باید یک بسته تشویقی خیلی بزرگ نیز برای تهران داشته باشد.

آمریکا به رویکردهای جدیدی در قبال ایران نیاز دارد

البرادعی نه تنها خواستار مذاکره مستقیم آمریکا با ایران بوده و هست بلکه بارها به این موضوع نیز اشاره نموده که آمریکا به در پیش گرفتن رویکردهای جدیدی در قبال ایران نیاز دارد. البرادعی در پیش نگرفتن چنین رویکردی را علت شکست سیاست‌های آمریکا در قبال ایران معرفی می‌کرد و اظهار می‌داشت تنها با تصویب قطعنامه‌های جدید در شورای امنیت علیه ایران نمی‌توان این کشور را به همکاری با جامعه بین‌المللی وا داشت. البرادعی با دعوت از مخالفان خود به بررسی این حقیقت که تصویب قطعنامه‌ها کمکی به آژانس و جامعه بین‌المللی در حل پرونده اتمی ایران و کره شمالی نداشته این پرسش را مطرح کرد که «آیا کسانی که می‌گویند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از ایران محافظت کرده است، نگاهی به سیاست‌های شکست خورده خودشان کرده‌اند؟ من به کسانی که عجولانه می‌گویند ما در حال محافظت کردن از ایران هستیم باید بگویم که ما هر سه ماه یکبار در گزارش مان اعلام می‌کردیم که ایران همکاری لازم یا شفافیت کامل را با ما ندارد و باید موضوعات بسیاری را توضیح دهد. ما از نظر فنی هر آنچه که می‌توانستیم انجام داده‌ایم و به فعالیت‌هایمان ادامه می‌دهیم ولی آمریکائیه باید سیاست‌شان را در قبال ایران تغییر دهند». البرادعی همچنین با مقایسه رویکرد غلط دولت بوش در قبال کره شمالی و در پیش گرفتن همان رویکرد در قبال ایران بارها به مقامات آمریکایی هشدار داد: «هنگامی که بوش به قدرت رسید، ایالات متحده مذاکره با کره شمالی را متوقف کرد، نتیجه هم این بود که آنها بمب هسته‌ای بدست آوردند. هنگامی هم که مذاکرات با ایران متوقف شد آنها تکنولوژی هسته‌ای را بدست آوردند در حالی که سیاست آمریکا می‌خواست مانع از دستیابی ایران به این تکنولوژی شود، به همین دلیل است که می‌گویم آمریکا به رویکرد متفاوتی در قبال ایران نیاز دارد».

همه قدرت‌ها باید به سمت خلع سلاح پیش بروند

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طی سال‌های گذشته چندین بار در گزارش‌هایی که منتشر نموده از احتمال اینکه طی سال‌های آینده تعداد کشورهای بیشتری به سلاح هسته‌ای دست یابند بشدت ابراز نگرانی نموده است. در همین راستا البرادعی با ابراز نگرانی از وضعیت خاورمیانه و تشبیه این منطقه به یک "بمب